

شماره ی ۱۷
دوشنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۶



کحات

نشریه ی مستندهای تلویزیونی



نگاهی به مستند
«امید در برزخ»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۱۷، دوشنبه، ۲۹ آبان ماه ۱۳۹۷



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ ۸۸۷۸۳۶۵۰، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





رضا سورانی | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

اسم محله شون، آخر آسفالت بود. یه محله سنتی که تودوران نوجوانی اون پر شده بود از معضلات ریز و درشت اجتماعی. هر کوجه ای برای خودش یه گروه اراذل و اوباش داشت. دعوا و چاقوکشی و دزدی و فروختن مواد مخدر و هزار تا چیز دیگه رو به چشم خودش دیده بود. از این ها گذشته، مادرش مددکار بهزیستی بود و پدرش افسر پلیس. همیشه خونه شون پر بود از قصه های عجیب و غریب در مورد آدم هایی که با هنجارهای جامعه فاصله داشتن. خب، سوال اینه: چطوری ممکنه کسی که نوجوونیش با این همه قصه و تصویر از آدم های ناهنجار گذشته، تو بزرگسالی نره پی حل کردنشون؟ این شیوه زندگی رضا سورانی یه. توایران می چرخه و از معضلات اجتماعی فیلم می سازه تا به سوال های بچگیش جواب داده باشه.



دستی که مردم را از برزخ نجات داد

«رضا سورانی» در مستند «امید در برزخ» قصه مردمی را روایت می‌کند که به دست یک سرباز معلم جوان از دام اعتیاد رهایی یافتند و به زندگی برگشتند. به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، رضا سورانی کارگردان مستند «امید در برزخ» درباره تولید این مستند توضیح داد: من مدت‌ها برای پیدا کردن سوژه دنبال انسان‌هایی می‌گشتم که در زندگی خود و دیگران تأثیر بزرگی گذاشته‌اند و موجب تغییر مسیر زندگی دیگران شده‌اند.



رضا سورانی

نویسنده:

سپهیل محمودی



به داستانی برخورد کردم که در یکی از روستاهای شرق کشور اتفاق افتاده بود. روستایی با سه هزار نفر جمعیت که دو هزار و پانصد نفر آن، معتاد بوده‌اند! یک طلبه هم که بعد از انصراف از تحصیلات حوزوی، وارد دانشگاه شده در این روستا به عنوان سرباز معلم خدمت می‌کند. همین سرباز معلم، شروع به ترک دادن این معتادین کرده است.

سورانی اضافه کرد: به اتفاق تصویر بردار کار برای انجام پژوهش به آن روستا سفر کردیم. وقتی به آنجا رسیدیم تعداد معتادین آن روستا به دویست نفر رسیده بود و مراکز ترک اعتیاد به صورت خصوصی و خانگی در روستا شکل گرفته بود تا سایر معتادها نیز بتوانند با کمک سایر اهالی، اعتیاد خود را ترک کنند. کارگردان مستند «امید در برزخ» در مورد فضای تولید این مستند گفت: چیزی که خیلی در این روستا به چشم می‌خورد، فقر و تنگ دستی شدید مردم بود. ارتزاق اصلی بسیاری از مردم به مواد مخدر ارتباط داشت و در مدتی که آنجا بودیم یک نوزاد از سرما فوت کرد. این

روستا پراز بچه -هایی بود که از استعداد و هوش بالایی برخوردار بودند اما به خاطر فقر شدید مالی و نبود امکانات آموزشی نمی‌توانستند از این استعداد استفاده کنند؛ اما در کنار همه‌ی این مشکلات، امید در بین مردم جاری بود و تأثیر شخصیت سرباز معلم که محوریت داستان فیلم را تشکیل می‌دهد، در این امید به آینده کاملاً مشهود است.

سورانی در پایان تأکید کرد: این فیلم در مورد کسی است که خود معتاد نیست، اما در کنار خود جمع معتادی می‌بیند که می‌تواند دست آن‌ها را بگیرد و از زندگی پوچ و اعتیاد نجات دهد. «امید در برزخ» تلاش می‌کند به کسانی که در اطراف خود با اعتیاد مواجه هستند بگوید که می‌شود این افراد را نجات داد و دوباره به زندگی برگرداند.

مستند «امید در برزخ» به کارگردانی رضا سورانی در خانه مستند انقلاب اسلامی تولید شده است و با پذیرفته شدن در سومین فصل جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ بیست و نهم آبان ماه، ساعت بیست به روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند
«امید در برزخ»



جذابیت‌های خشونت بار یک جامعه معتاد!

تحلیلی بر مستند «امید در برزخ»

نویسنده: رحیم ناظریان

قبول اجتماعی را مطرح می‌کنند، اگر منطقه یا مکان نمونه‌ای را معرفی نمایند و به تشریح رویداد بپردازند، بی‌شک در حین توصیف مکان، نیم‌نگاهی نیز بر کل جامعه و پیامدهای این چالش در بستری فراگیر دارند. سؤال اینجاست

مستند، خصوصاً وقتی موضوع رویدادش، بحران یا چالشی اجتماعی باشد، برای طرح چالش یا نقدش، تنها بر مکان وقوع ماجرا تأکید وجود ندارد. مستندهایی که یک بحران، فاجعه و یا هرامردوز از معیارهای مورد



آیا مستند «امید در برزخ» که موضوعش اعتیاد بیش از هشتاد درصد اهالی یک منطقه است، نگاهی استعاری دارد؟

یقیناً وظیفه هنرمند چیزی بیش از نمایش و توصیف امری است که در جهان واقعی اتفاق افتاده و مستندساز، اثری بیش از نمایش آنچه روی داده است، خلق می‌کند. مستندساز سوژه را پرداخت می‌کند و در حین تولید، به این امر اعتقاد دارد که سوژه فراتر از شکل طبیعی‌اش دارای ابعاد و ناگفته‌هاست. ورای توصیف و کالبدشکافی سوژه، همواره امری غایب در فرایند تولید هنری وجود دارد که ممکن است استعاره را در ماورای امرواق ایجاد کند. آیا «امید در برزخ» تنها معرفی روستا یا شهری کوچک را برای توصیف زنان و مردان معتادش مد نظر دارد یا در دورنمای معنایی‌اش، کل جامعه را به شکلی استعاری هدف قرار می‌دهد؟!

موضوع «امید در برزخ» درباره طلبه‌ای جوان است که برای سربازی به روستایی اعزام می‌شود و در همان بدو ورود می‌بیند، ۸۰ درصد مردمان آنجا اعم از مردان، زنان، جوانان و کودکان

و حتی نوزادان به اعتیاد دچارند و در نهایت تصمیم می‌گیرد علاوه بر انجام وظایفش در حوزه فرایض دینی، کمپی در جهت ترک اعتیاد بنا کند.

«امید در برزخ» در دو زمینه این تأویل را پررنگ می‌کند که جهان مدنظر مستندساز، نمونه‌ای خُرد از مناطقی دیگر، فارغ از مکان وقوع رویداد فیلمش و مشابه آن است و اعتیاد به عنوان آفتی خانمان سوز ممکن است در هر نقطه‌ای دیگر از کشور این گونه آسیب‌رسان باشد.

اول این که در طول مستند به سختی می‌توان از مکان وقوع رویداد مطلع شد. در همان شروع فیلم، راوی که خود طلبه‌ی جوان است، اسمی از روستایی که بدانجا اعزام شده را نمی‌آورد و فقط به بیان کلمه‌ی عام «روستا» اکتفا می‌کند. البته در حین مصاحبه با روستایی‌ها و دیگر شخصیت‌های حاضر در فیلم، به شکل محسوسی می‌توان از هویت روستا مطلع شد، اما مستند تأکید قابل اشاره‌ای بر پنهان‌سازی مکان وقوع رویداد دارد. این امر را با این نکته می‌توان پذیرفت که در فیلم حتی تابلو



همه معتادان، ناتوان است. به عنوان نمونه از چند مثال موجود در فیلم، می-توان به زنی اشاره کرد که در مستند به پای حرف هایش می نشینیم. اواز مرگ فرزندش، بی مهری همسرش، بی کس و کار بودن، تنهایی و زندگی دردآلودش می گوید. ولی با وجودی که این مستند در مورد کمک بی مزد و منتّ چند انسانِ نیکوکار با رهبری طلبه ای جوان به معتادان یک منطقه است، ناگهان این زن جوان به حال خودش رها می شود. از منظر پرداخت و همچنین تأکید بر

یا نشانه هایی در جهت معرفی مکان و اصراری بر فاش نمودنِ هویت روستا وجود ندارد.

دومین نکته، رهاسازی برخی از کاراکترهایی است که به شکل زجرآوری به دام اعتیاد افتاده اند. مستندساز با نشان دادن و گفتگو با چنین افرادی، ابتدا حسی توأم با همیاری ایجاد می کند اما با رها کردن آنها تنها این ایده را منتقل می کند که انگار این مستند و عوامل آن و یا کاراکتر محوری اش یعنی طلبه جوان، از امداد رسانی و کمک به

او، این زن در دو لحظه‌ی بسیار مهم و تأثیرگذارِ فیلم دیده می‌شود؛ یکی آغاز و دیگری پایان آن. در هر دو لحظه، او در حال طی کردنِ جاده‌ای بسیار تاریک، دلهره‌آور و خطرناک است. او که در روستای مورد اشاره، مواد مخدرش را تهیه کرده، حالا برای برگشتن پولی ندارد و این مسیر ترسناک را پیاده طی می‌کند. همین تأکید دوگانه بر او و البته پیاده رفتنش، خود نگاهی استعاری بر این کاراکتر است. راهی تاریک و دور و البته خطرناک برای یک زن که اینجا عنصرِ «راه» ماهیتِ مادی ندارد و بیانگر راهِ درازی است که جامعه برای بهبود این قشر از بیماران، پیش رو دارد؛ یا طی مسیر زن جوان؛ کنایه از راه تاریک و بی‌برگشتی است که او پیش گرفته و احتمالاً سرانجامی جز نابودی نخواهد داشت. جاده‌ای خاکی که بی‌شک برای زنی جوان و البته با چهره‌ای ویران در تاریکی شب، ترسناک نیز خواهد بود. دوربین در حرکتی فریبنده پس از اینکه عوامل مستند برای کمک و رساندنش به مقصد، او را سوار خودرو می‌کنند، کورسویی از امید را روشن می‌کند. لنز

دوربین، انعکاس نوری را در مرکز تصویر، در جلوی خودرو، در تاریکی ترسناک، می‌سازد که این نیز کنایه‌ای از وجود اندک نور باقی مانده برای نجات است. مستند «امید در برزخ» خشونتِ زیبایی‌شناسانه دارد. آدم‌ها در حدّ شعار و یا تبلیغ ترک اعتیاد ظاهر نمی‌شوند. آنها بی‌رحمانه همچون ابزاری برای نشان دادن عمق فاجعه به کار می‌آیند. مردی خرابه‌نشین، جلوی دوربین، از بساطش رونمایی می‌کند. یک مشت خرت و پرت و در کنار آن، زنی پشت به تصویرنشسته است. زنی معتاد و مرد می‌گوید: «این زندگی من است.»

مستند برای حفظ سوبه استعاری‌اش، نیازمند این عریان‌سازی خشونت است و دوربین بی‌رحمانه به زندگی درماندگانِ افیون سرک می‌کشد. بنابراین با فکت‌هایی که از فیلم ارائه شد و دو نکته پنهان کاری در قبال معرفی دقیق روستا و بی‌رحمی و رهاکردن چند معتاد، می‌توان به سؤال‌های ابتدایی به روشنی پاسخ داد. فیلم چیزی فراتر از واقعیتِ جهان

مستند برای حفظ سوبه استعاری‌اش، نیازمند این عریان‌سازی خشونت است و دوربین بی‌رحمانه به زندگی درماندگانِ افیون سرک می‌کشد. بنابراین با فکت‌هایی که از فیلم ارائه شد و دو نکته پنهان کاری در قبال معرفی دقیق روستا و بی‌رحمی و رهاکردن چند معتاد، می‌توان به سؤال‌های ابتدایی به روشنی پاسخ داد.

نمونه‌اش ارائه می‌کند و استعاره، فیلم را از اثری که توصیف صرف از ماجرای بدهد، خارج می‌کند. خشونت فیلم تنها بر مکان رویداد اشاره ندارد بلکه کل جامعه در محدوده‌ای کلان را هدف قرار می‌دهد:

- توصیف یک روستا با ۸۰ درصد معتاد،

- روایت دختری جوان که در ازای مبلغی، توسط پدر معتادش قرار است به یک افغانی فروخته شود،
- اجاره یک طویله برای احداث کمپ،

- خوردن نان و کشک در مدرسه‌ای که دانش آموزانی گرسنه دارد و دلیل گرسنگی‌شان اعتیاد خانواده آنهاست،
. معلم مدرسه‌ای که با لحنی مادرانه به دانش آموزی می‌گوید که حق ندارد به اتاقی که پدر و مادرش در آن مواد می‌کشند برود،

. شرح دانش آموزانی که پدر و مادرشان یا بابت اعتیاد در کمپ هستند یا زندان،

. شرح ماجرای پنج کودک که پدر و مادرشان بابت اعتیاد، طلاق گرفته اند



و حالا آنها بی سرپرست و تنها زندگی می‌کنند،

و مواردی متعدد از شرح خشونت‌های عریان، بی‌شک فقط اشاره بر آن منطقه مورد نظر یا یک روستای نمونه در مستند ندارد، بلکه در یک پوشیده‌گویی هنرمندانه، سیاست‌ها و بی‌مایگی جامعه‌ای را نشان می‌دهد که چنین فضای نکبت‌باری در آن شکل می‌گیرد و انگار هیچ چشمی توان یا تمایل دیدن و باورش را ندارد.

«امید در برزخ» از منظر شکل و مواردی همچون تدوین و ضرب آهنگ نیز بسیار حساب شده عمل می‌کند. زاویه دوربین در اکثر لحظات با فاصله‌ای نه چندان نزدیک به سوژه، سعی در پوشش دادن کل فضا را دارد. با وجودی که بخش اعظمی از فیلم، روایت ماجرای است که پیش‌تر رخ داده و کارگردان از آرشو تصویری خود کاراکتر محوری فیلمش برای ارجاع، بهره می‌برد، اما این زمان ماضی با تلفیق تصویری از اکنون آدم‌ها به شکل زنده به چشم می‌آید.

نکته پایانی درباره یک ضعف

عجیب در فیلم است. از ابتدا تا انتهای فیلم همه چیز در حال پیشرفت است. فیلم موضوعی مشخص دارد و کل مستند درباره تلاش برای احداث یک کمپ در روستایی محروم و عقب مانده (یا عقب نگه داشته شده) است اما ناگهان در پلان‌های پایانی، موضوع اصلی فیلم فراموش می‌شود و به مصائب طلبه بودن و این‌که از جناح‌های مختلف، عمل او مورد نگوشت قرار گرفته است، می‌پردازد. این‌که روحانیون به زعم برخی از هم لباسان، نباید از حیطة مذهبی‌شان خارج و وارد اعمالی شوند که شان و منزلت روحانیت به زیر سؤال برود. فیلم در پایان به بی‌راهه می‌رود. موضوعی را پیش می‌کشد که اساساً ربطی به موضوع اصلی ندارد. پایان بندی فیلم تنها درباره این پیام است که روحانیون نیز می‌توانند کارهایی فارغ از وظایف تعریف شده‌شان انجام دهند، حتی احداث کمپ ترک اعتیاد! و این به نظر، پایان اثر را به شعار یا یک نطق تبلیغی بدل می‌کند و سنجختی با آغاز و میانه آن ندارد.

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «امید در برزخ» C6



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید.
ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.